

در دوم مارس ۱۹۹۲ تعداد کشورهای عضو سازمان ملل متحد از ۱۶۶ به ۱۷۵ رسید. در میان ۹ عضو جدید نام جمهوریهای قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان در آسیای مرکزی و آذربایجان و ارمنستان در قفقاز برده شده است. تنها گرجستان هنوز نقضای عضویت در سازمان ملل را نکرده است (۱). (نقشه شماره ۱).

اما این کشورهای تازه استقلال یافته صرف نظر از وضع نابسامان اقتصادی که جای بحث آن در این مقاله نیست؛ با اختلافات عدیده مرزی، قومی، ارضی، تضاد بین روس و غیر روس و بومی و غیر بومی روبرو هستند. تمامی این اختلافات ریشه تاریخی دارند و محصول استراتژیها و سیاستهایی است که توسط دولت روسیه تزاری و جانشین آن دولت کمونیستی شوروی اعمال شده است. منتها دولت شوروی همان روشها را با خشونت بیشتر و تحت عنوان ایدئولوژی به کار گرفته است.

هفته نامه اخبار مسکو در شماره ۱۱ خود نقشه‌ای منتشر ساخته که محصول تحقیقات ۵ نفر از آکادمیهای علوم روسیه در مؤسسه جغرافیایی است. بخش مربوط به آسیای مرکزی این نقشه نمایانگر مناقشاتی است که میان این کشورهای تازه استقلال یافته به صورت بالفعل و بالقوه وجود دارد (نقشه شماره ۲).

(۱ و ۲) منازعه میان ازبکستان و قزاقستان بر سر جمهوری خود مختار قراقالباق که در سال ۱۹۳۶ به ازبکستان منتقل گردید.

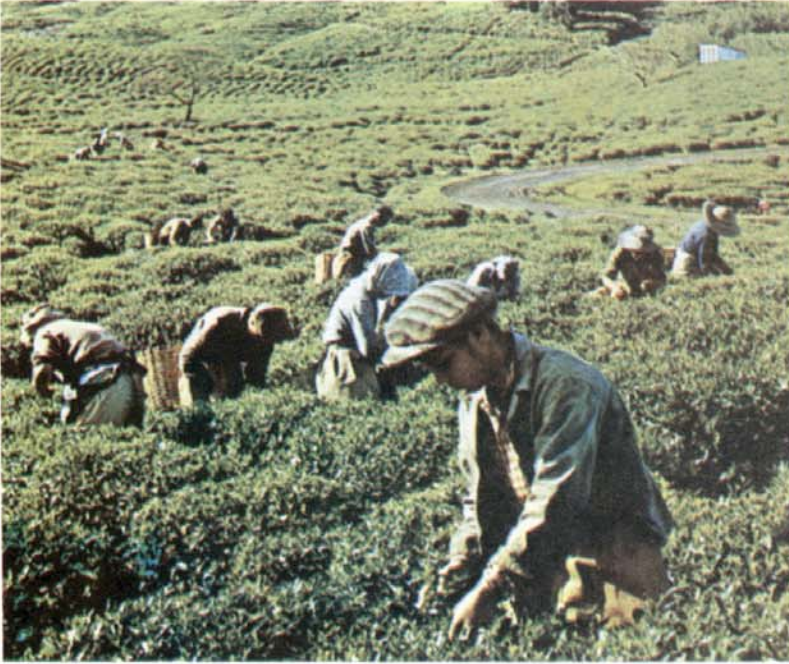
(۳) ادعای ترکمنستان به بخشی از استان مانقشلاق قزاقستان. سابق

ریشه‌های تاریخی مسائل جغرافیای سیاسی امروز

آسیای مرکزی و قفقاز

از: دکتر دَرّه میرحیدر





- ۵) ادعای قزاق‌لپاق به بخش شمال‌غربی استان بخارا در ازبکستان.
 ۶) ادعای ازبکستان به بخش جنوب شرقی قزاق‌لپاق به استان خوارزم.
 ۷) ادعای ازبکستان به بخشی از آمودریا در استان چارجوی ترکمنستان.
 ۸) ادعای ترکمنستان به بخش آمودریای استان بخارای ازبکستان.
 ۹) ادعای ازبکستان به بخش جنوبی استان جیمکنت.
 ۱۰) ادعای تاجیکستان به بخشهایی از دواستان سمرقند و بخارای ازبکستان (دره رود زرافشان).
 ۱۱) ادعای تاجیکستان به استان سرخان دریای ازبکستان.
 ۱۲) ادعای تاجیکستان به بخش کوهستانی جنوب استان اوش در قرقیزستان.
 ۱۳) بخشی از استان خود مختار (اُبلست خود مختار) گرنوبدخشان تاجیکستان که مورد ادعای قرقیزستان است.
 ۱۴) ادعای ازبکستان به بخشی از استان اوش قرقیزستان (در دره فرغانه).
 ۱۵) ادعای قرقیزستان به بخشهای جنوبی آلمانا و استانهای تالدی - کورگان قزاقستان.
 ۱۶) بخشهای شمالی استان ایسیک کل قرقیزستان مورد ادعای قزاقستان است.

بر این برخی از قبایل ترکمن ساکن شبه جزیره مانفشلاق بودند که در زمان تعیین مرزهای جدید سیاسی به اجبار از آنجا اخراج شده و منطقه را به قزاقستان واگذار کردند. خاطره تاریخی این منطقه برای ترکمنها بسیار عزیز است.

۴) ادعای ازبکستان به بخش آمودریا از استان ناش حوض ترکمنستان.



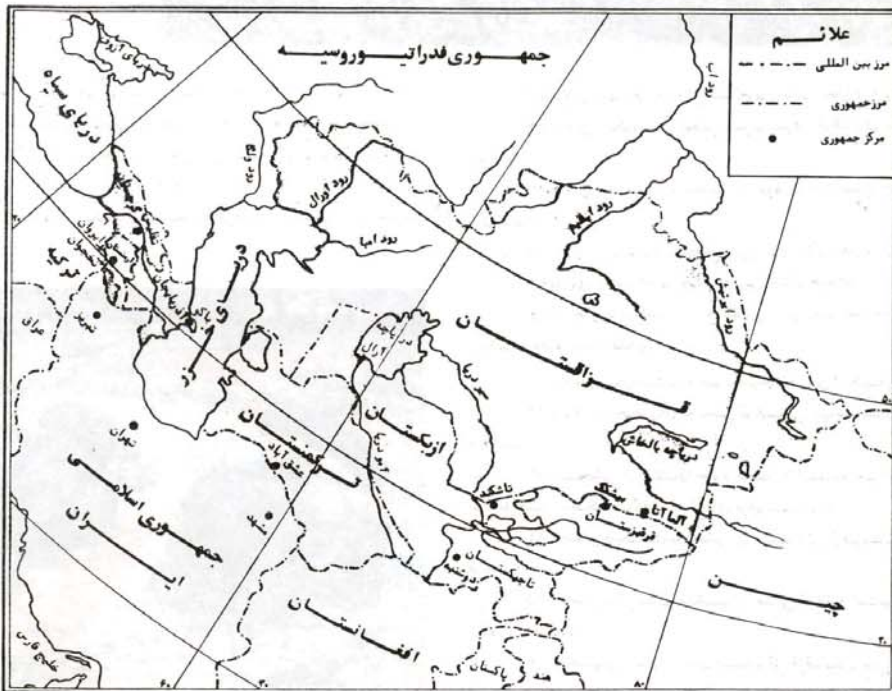
نقشه آسیای مرکزی قبل از انقلاب اکتبر

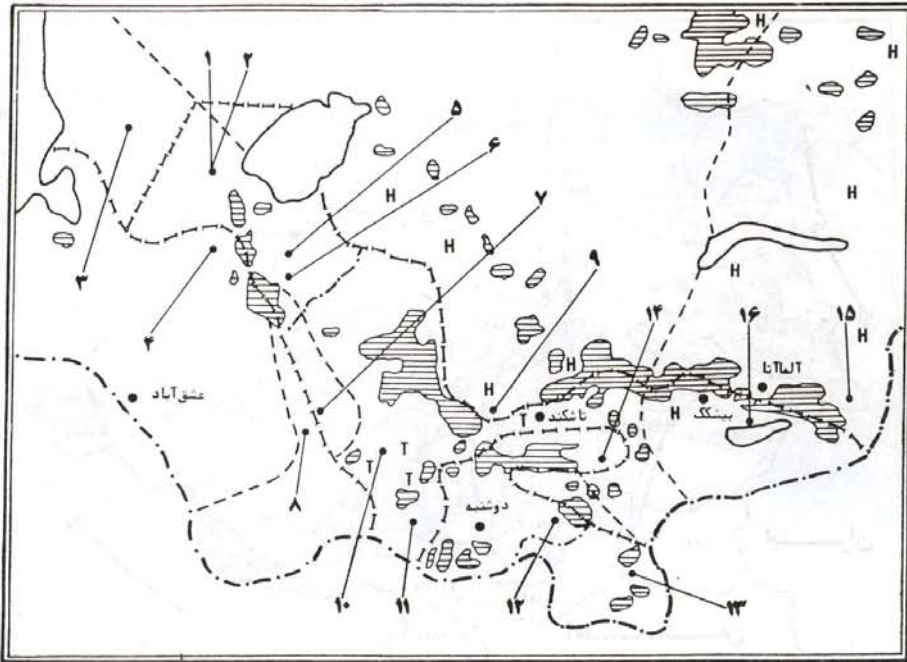
زمانی که انقلاب کمونیستی در روسیه رخ داد، در آسیای مرکزی یک فرمانداری کل ترکستان به عنوان واحد سیاسی داخلی روسیه و دو حکومت تحت الحمایه خیوه و بخارا وجود داشت (رجوع شود به نقشه ۳). قزاقها تحت انقیاد روسها درآمده بودند و قبایل ترکمن هم بعد از قتل عام گوگ تپه در ۱۸۸۱ یکی بعد از دیگری خود را تسلیم دولت روسیه تزاری نموده بودند مرز میان روسیه و ایران در قراردادنامه آخال تعیین شده و مرز میان روسیه و افغانستان نیز پس از یک دوره جنگ و خونریزی میان روسیه و انگلیس سرانجام در کمیسیون مرزی دو کشور درامداد رود پنج تعیین شده بود.

نقشه سیاسی آسیای مرکزی در شش سال اول حیات شوروی

طی شش سال بعد از انقلاب اکتبر، بلشویکها به دلیل اشتغال به جنگ به منظور مقابله با نیروهای مخالف که مشتعل بر نیروی روسهای سفید، مسلمانان و انگلیسها بودند در ساختار سیاسی منطقه تغییری به وجود نیاوردند. پس از سرکوب نیروهای مخالف و انحلال حکومتهای کوتاه مدت ملی، شورویها به ایجاد واحدهای سیاسی جدیدی پرداختند. در سال ۱۹۱۸ اولین جمهوری خود مختار سوسیالیستی در محدوده فرمانداری کل ترکستان سابق موجودیت یافت (نقشه ۴) که جزئی

چنین مشکلاتی حتی بیشتر در منطقه قفقاز وجود دارد. جمهوری خود مختار چین اینگوش در منطقه شمالی خواستار جدایی از فدراسیون روسیه است و نخستین کنگره جهانی این جمهوری که در مارس ۱۹۹۲ تشکیل از ۸۰۰ نفر در شهر گروزنی پایتخت آن برگزار گردید؛ این موضوع را تأیید کرد و خواستار ترک نمایندگان فدراسیون روسیه از این اجلاس شد. طبق گزارش رسیده هدف این جمهوری این است که با المحاق کرای استاوروپل، کراسنودار و استراخان به خود، جمهوری قفقاز بزرگ را تشکیل دهد. از سوی دیگر گزارش شده که کلیه مناطق مسلمان نشین شمال قفقاز که امروز درون فدراسیون روسیه قرار دارند یعنی جمهوریهای خودمختار داغستان، چین اینگوش، اوستی شمالی پس از اتحاد با اوستی جنوبی، کاباردینو بالکار و قزاقای چرکس که منطقه میان دو دریای خزر و سیاه را اشغال کرده اند علاقه مند به احیای جمهوری فدرال گورسکایا (کوهستانی) هستند. این جمهوری فدرال قبلاً برای مدت دو سال از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ بعد از انقلاب بلشویکی موجودیت داشت. منازعات و درگیری میان ارمنه و آذربای بر سر ابلست خودمختار ناگورنو قراباغ و منطقه درونگان نخجوان که سالهاست جریان دارد امروز به مرحله حاد خود رسیده و باید منتظر حوادث آینده بود. برای درک منازعات فعلی باید به ریشه تاریخی آنها مراجعه کرد و بهترین راه بررسی نقشه های تاریخی آسیای مرکزی و قفقاز است.



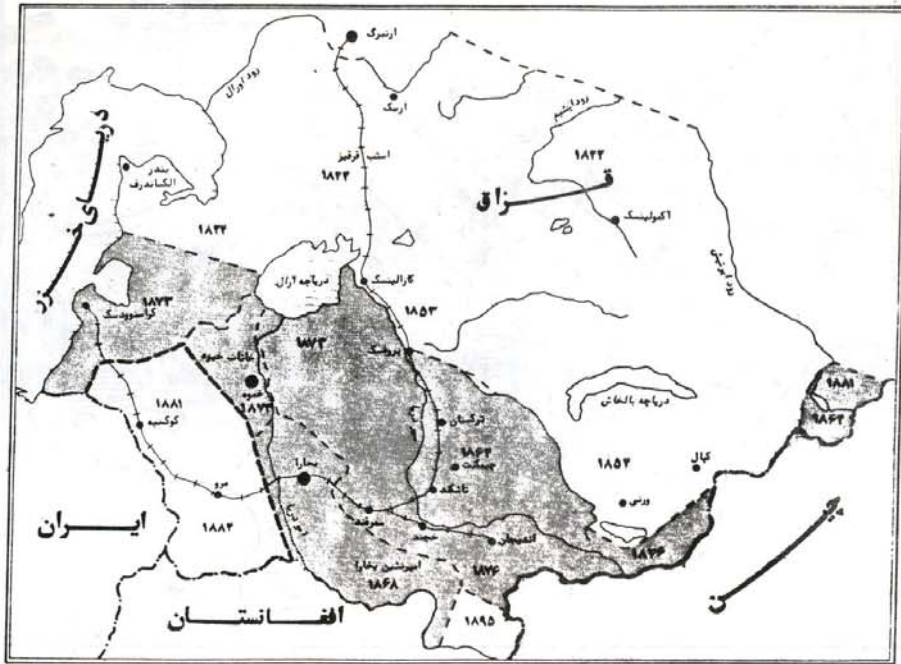


میان مسلمانان و نابودی وحدت اسلامی تحقق یافت. در فاصله سالهای ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۶ شش واحد سیاسی براساس قومیت در نقشه سیاسی آسیای مرکزی موجودیت پیدا کردند: جمهوری قرقیز که به قلمرو قزاقها اطلاق می‌شد و روسها به این دلیل قزاقها را قرقیز می‌خواندند تا با کازاکهای اطراف رود اُرال و ولگا اشتباه نشود، در سال ۱۹۲۵ اسم واقعی خود را گرفت. جمهوری ازبکستان و ترکمنستان که در ۱۹۲۴ موجودیت یافته بودند پس از چندی در شمار جمهوریهای متحد شوروی شدند. جمهوریهای قرقیزستان و تاجیکستان و قزاقستان نیز که در ۱۹۲۴ در سطح پایین تری از سلسله مراتب داخلی شوروی بودند به تدریج به صورت جمهوریهای متحد شوروی درآمدند. ایلستهای خود مختار قزاقبایق و گورنودخشان هم با مرزهای جداگانه به ترتیب جزء قزاقستان و تاجیکستان به وجود آمدند. قزاقبایق از ۱۹۳۶ به صورت جمهوری خودمختار از قزاقستان به ازبکستان داده شد که همین امر منشأ منازعات فعلی میان این دو کشور را فراهم کرده است. گورنودخشان هم جزء تاجیکستان درآمد که محل اختلاف میان تاجیکستان و قرقیزستان است. با این تقسیم‌بندی جدید واحد سیاسی منسجم خبوه میان جمهوریهای ازبکستان، قزاقبایق، ترکمنستان و قزاقستان تقسیم شد. امیرنشین بخارا میان ازبکستان، ترکمنستان، و تاجیکستان و خانات خوقند که براساس واحد جغرافیایی درّه فرغانه متشکل شده بود میان ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان تقسیم گردید. در نتیجه به جای ۴ واحد سیاسی موجود قبل از سال ۱۹۲۴، هفت، واحد سیاسی به‌وجودآمد. هریک از این واحدهای سیاسی متشکل بود از یک اکثریت

از فدراسیون روسیه محسوب می‌شد. در ۱۹۲۰ جمهوری خود مختار قرقیز که همان قزاقستان امروز باشد تشکیل شد. در ۱۹۲۰ به جای دولتهای تحت الحمایه خبوه و بخارای سابق جمهوریهای خلق خوارزم و بخارا موجودیت یافتند ولی سیاست حفظ محدوده های تاریخی - جغرافیایی ادامه نیافت چون تشکل و وحدت مسلمانان موجب وحشت بلشویکها شده بود و آنرا به منزله خطر بالقوه برای سیطره روسها بر شوروی می‌پنداشتند. ضمناً رواج فرهنگ و زبان ایرانی که هویت تاریخی بخش بزرگی از منطقه یعنی ماوراءالنهر و خراسان بزرگ را تشکیل داده بود باید ریشه کن می‌شد تا آن انسان نوین شوروی که هدف اولیه آموزه علمی (مارکسیسم - لنینیسم) بود به وجود آید. خصوصیات روانی و آرمانهای این انسان شوروی به تعبیر کالینین برابر با یک کارگر صنعتی روس پتروگرادی بود که طبق چنین الگویی باید موجودیت می‌یافت. ولی تکرار مکرر آموزه علمی (مارکسیسم - لنینیسم) نتیجه دلخواه را نداد و زمامداران شوروی به فکر اتخاذ روشهای عملی تر افتادند.

نقشه سیاسی آسیای مرکزی از سال ۱۹۲۴ به بعد

سال ۱۹۲۴ را باید سال سرنوشت ساز در جغرافیای سیاسی منطقه نامید چون در این سال مرزبندیهای جدیدی براساس قومیت صورت گرفت. این استراتژی در راستای هویت زدایی تاریخی - جغرافیایی - فرهنگی مردم این منطقه، وابسته کردن این اقوام مستقیماً به حکومت مسکو و ایجاد تفرقه و دوگانگی همیشگی میان اقوام بود. به این ترتیب هدف تفرقه افکنی



سمرقند، فرغانه، سیردریا و هفت رود بوده است. در همین دایرة المعارف در مدخل ماوراءالنهر سرزمینی توصیف می‌شود متعلق به ایران که از آمودریا تا سیردریا امتداد داشته است.

در دایرة المعارف بزرگ شوروی که در ۱۹۵۷ تدوین شده عنوان آسیای میانه که برای اولین بار در این مجموعه ظاهر می‌شود شامل جمهوریهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و بخشی از جنوب قزاقستان است. این اصطلاح از سال ۱۹۲۴ که تغییر عمده در مرزهای سیاسی این منطقه به وجود آمد؛ با هدف هویت‌زدایی تاریخی و در مقابل آسیای مرکزی که قابل اطلاق به این منطقه نبود وضع شد.

اصطلاح آسیای مرکزی از سوی دیگر گرچه منطق جغرافیایی دارد و شامل ترکستان چین (ترکستان شرقی)، مغولستان و تبت است و منتهاالبه غربی آن تا پامیر کشیده می‌شود، ولی تا این منطقه گسترش ندارد و چون دانشمندان و جغرافیدانان شوروی از محدوده جغرافیایی این اصطلاح آگاهی داشتند اطلاق آن را به منطقه ماوراءالنهر و ترکستان غربی صلاح ندانستند و اصطلاح ساختگی آسیای میانه را وضع کردند.

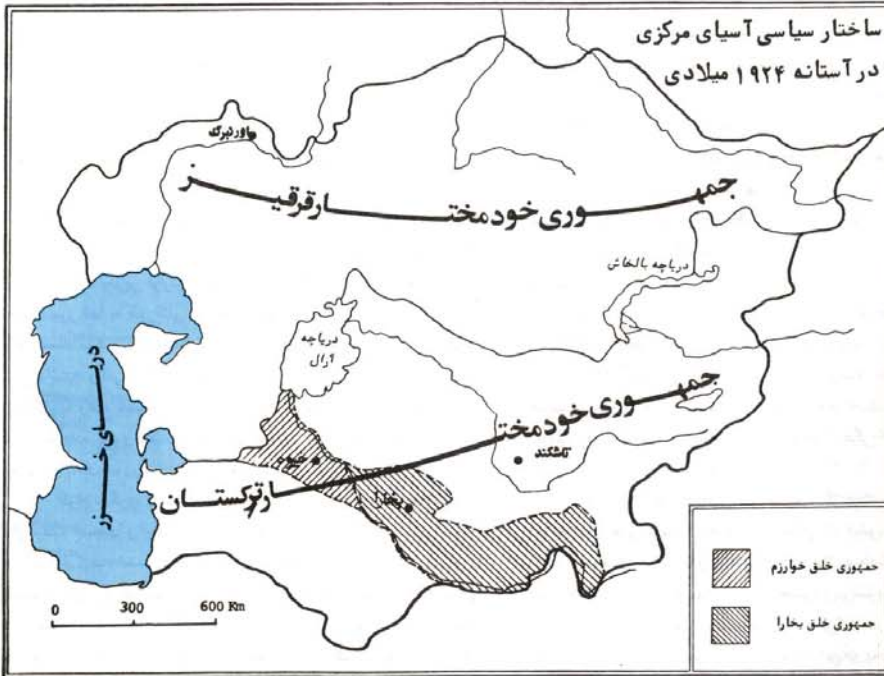
باتوجه به مطالب گفته شده نام واقعی این منطقه را که پستوانه تاریخی و جغرافیایی دارد باید ترکستان، ماوراءالنهر و خراسان بزرگ دانست.

مصنوعی از یک قوم و اقلیتهای زیادی از اقوام دیگر باضافه روسها و اقوام غیر بومی که در نتیجه سیاست استالینیسیم از قفقاز به آسیای مرکزی تبعید شده بودند، غیریومیها حداقل یک سوم جمعیت هریک از این جمهوریهها را در برمی‌گرفتند. همین سیاست بود که اختلاف میان جمهوریهها را دائمی ساخت. تا زمانی که این جمهوریهها تحت فشار حکومت مرکزی شوروی به سر می‌بردند جرئت اظهار ناراضی را نداشتند ولی امروز که به صورت کشورهای مستقل درآمده‌اند اختلافات کاملاً نمایان شده است.

ابداع اصطلاح آسیای میانه توسط شورویها هم در راستای سیاست هویت‌زدایی تاریخی و فرهنگی مردم این منطقه بود که در سال ۱۹۲۴ صورت گرفت. این اصطلاح نه منطق جغرافیایی دارد و نه پیشینه تاریخی و ماهیت آن کاملاً سیاسی است.

در دایرة المعارف روسیه تزاری که در فاصله سالهای ۱۸۹۰ و ۱۹۰۸ میلادی تدوین شده منطقه‌ای که امروز به نام آسیای میانه معرفی می‌گردد تحت دو عنوان ترکستان و ماوراءالنهر می‌آید. واژه ترکستان که در سایر نوشته‌ها به نام ترکستان روس و یا ترکستان غربی خوانده می‌شده، در این دایرة المعارف به منطقه‌ای اطلاق می‌شود که از غرب به دریای خزر و رود اورال، شرق تا آلتای «مرز چین»، جنوب ایران و افغانستان و شمال استانهای توپولسک و تومسک محدود می‌شود. تمامی ترکستان در سال ۱۸۹۹ تحت حکومت یک حکمران کل بوده است و نام دیگر آن فرمانداری کل ترکستان می‌باشد. در واقع ترکستان متشکل از ۵ استان ماوراء خزر،

ساختار سیاسی آسیای مرکزی در آستانه ۱۹۲۴ میلادی



نقشه سیاسی قفقاز در قرنهای هیجده و نوزده

دست اندازی روسها بر شمال قفقاز از ۱۷۸۳ آغاز شد. از بدو کار آنها با مقاومت شدید کوه نشینان زوبورو شدند. صوفیان نقش بندی نقش مهمی در مسیح مسلمانان این منطقه داشتند، به طوری که تسخیر این منطقه به نسبت کوچک از نظر وسعت بیش از یک قرن طول کشید و با شکست و تسلیم امام (آخرین رهبر نقشبندیه در ۱۸۵۶) جنگهای قفقاز به پایان رسید. ولی از آن پس نیز روسها برای تداوم حاکمیت خود بر مناطق داغستان و چین مجبور شدند از طریق نظامی عمل کنند.

تسلط بر قفقاز جنوبی در پایان جنگ ایران و روس و عقد قراردادهای گلستان در ۱۸۱۳ و ترکمنچای در ۱۸۲۸ و با ترکیه در ۱۸۷۸ کامل شد.

نقشه سیاسی قفقاز بعد از انقلاب اکتبر

بعد از انقلاب اکتبر، ابتدا حزب مساوات که رهبری شورای ملی را داشت در ۲۸ مه ۱۹۱۸ استقلال آذربایجان را اعلام کرد. و در ۱۹۲۰ (۲۸ آوریل) جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی موجودیت یافت. از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ مناطق مسلمان نشین واقع بین دریای خزر و دریای سیاه جمهوری کوهستانی گورسکایا را تشکیل دادند. در ۱۹۲۱ شوروی با اعطای خود مختاری به هر یک از این جمهوریها، آنها را جزء فدراسیون روسیه نمود و اتحاد آنها را برهم زد.

از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۶ جمهوریهای آذربایجان، گرجستان و ارمنستان برای مدت ۱۴ سال با هم متحد شده جمهوری فدرال قفقاز جنوبی را تشکیل دادند. با دخالت دولت مسکو و اعمال سیاست تفرقه اندازی میان این جمهوریها، در ۱۹۳۶ هر کدام به صورت جداگانه به اتحاد شوروی پیوستند و جمهوریهای متحد را تشکیل دادند.

گذشته از سیاست تفرقه اندازی که منجر به نابودی وحدت مسلمانان شد و در منطقه قفقاز همانند آسیای مرکزی اعمال می شد، سیاست خشن اخراج و تبعید اقوام از محل استقرارشان به نقاط بسیار دور و نامساعد که توسط استالین صورت گرفت عامل مهم دیگر در اغتشاشات فعلی منطقه می باشد. در ۱۵ نوامبر سال ۱۹۲۴ برخی گروههای قومی منطقه مسختی جنوب گرجستان بدون هیچ دلیل آشکاری بازداشت و به آسیای مرکزی و اکثراً به قزاقستان و ازبکستان فرستاده شدند. تعداد کل رانده شدگان بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر برآورد شده اند که حداقل ۵۰ هزار نفر آنها در طی راه از فرط سرما و گرسنگی تلف شدند. این اقوام که از قزیه پاپاخها (ایلات ترکمن شمال ارمنستان)، کردهای آجار، خمشین (ارامنه مسلمان) و تعدادی از آجارهای ترک (گرجیهای مسلمان)، ابخازها و لازها تشکیل شده بودند به طور محرمانه کوچانده شدند و تا سال ۱۹۶۸ منابع شوروی از هرگونه اظهار نظر در باره چنین واقعه ای خودداری می کردند. در این تاریخ مشخص شد که اخراج آنها دلایل نظامی - استراتژیک داشته است.

به این معنا که در اواخر ۱۹۴۴ شوروی در نظر داشته دولت ترکیه

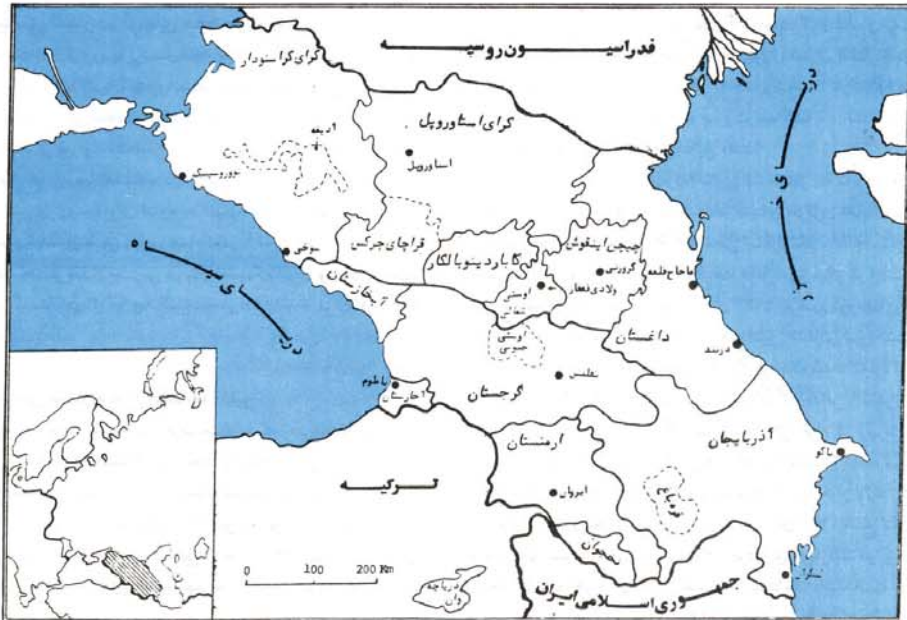
تسلط یافتند ولی شمال شرقی قفقاز یعنی قلمرو چیچن‌ها و اینگوش‌ها هیچگاه به تصرف ارتش آلمان درنیامد. به این دلیل زمانی که آنها همراه با قراچایها و بالکارها به آسیای مرکزی کوچ داده شدند و حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد اقوام کوچ داده شده (حدود ۸۰۰ هزار) در بین راه تلف شدند زخم شدیدی در قلب این مردم علیه شوروی باقی گذاشت. بعد از مرگ استالین از این مردم اعاده حیثیت شد و به آنها اجازه بازگشت به وطن داده شد و جمهوری خود مختار چیچن اینگوش دوباره موجودیت یافت منتهی جزء فدراسیون روسیه قرار گرفت. این مردم در اثر پایداری و همت خود توانستند زنده بمانند و امروز هم عضو فعال در سیاست منطقه مسلمان نشین قفقاز شمالی می‌باشند و به دلیل داشتن چاههای غنی نفت و پالایشگاه از موقعیت استراتژیک مهمی برخوردارند و طبق گزارشها در مارس ۱۹۹۲ هم فدایی خود را از فدراسیون روسیه اعلام داشته‌اند. تعداد جمعیت چیچن‌ها و اینگوش‌ها ۱/۳ میلیون نفر است و اینها مسلمانان معتقدی هستند و زمانی هم که در میان قزاقها زندگی می‌کردند در حفظ معتقدات مذهبی آنها نقش مهمی داشتند.

اوستها از اقوام دیگری هستند که خاکشان توسط دولت شوروی تجزیه شد. بخش شمالی بنام اوستین شمالی که ایرانی هستند و به زبان فارسی صحبت می‌کنند ولی مسیحی می‌باشند به صورت جمهوری خودمختار که جزء فدراسیون روسیه محسوب می‌شود. بخش جنوبی که مسلمان هستند و به زبان دیگری صحبت می‌کنند در داخل گرجستان محصور است و ابلست خود مختار می‌باشد. این دو بخش بعد از فروپاشی

را برای استرداد سه استان قارص، اردهان و آرتوین تحت فشار قرار دهد و ادعای بازستانی این مناطق و الحاق آنها را به گرجستان نماید. از طرف دیگر مسکو در تدارک حمایت از ادعای ارضی ارمنستان برپاره‌ای از ولایات، آناتولی بود. استالین با این هدف که منطقه مرزی استراتژیک میان گرجستان و ترکیه را از وجود کلیه عناصر مسلمانی که می‌توانستند در راه نیات شوروی مشکل آفرین باشند پاکسازی نماید، این اقوام بی‌آزار را جابجا کرد. در ژوئیه ۱۹۵۳ مولوتف ادعاهای ارضی ارمنستان و گرجستان را در مورد مناطق مرزی ترکیه پس گرفت ولی مسخیتها برخلاف بسیاری از اقوام دیگر آواره نه مورد دلجویی قرار گرفتند و نه اجازه بازگشت به وطن خود را یافتند چون قلمرو آنها به طور کلی توسط گرجیها و ارمنیها اشغال شده بود. این مردم عمیقاً مذهبی و شیعه هستند و در محل جدید مشکلاتی با ازبکهای سنی داشتند و امروز که کشورهای مستقل به وجود آمده‌اند تقاضای رسیدگی به وضع نابسامان خود را کرده‌اند. به اینها حتی اجازه مهاجرت به ترکیه هم داده نشد و فقط گروه کوچکی مجاز شدند در ناسأعدترین نواحی معان آذربایجان شوروی اقامت نمایند.

اقوام دیگری که به اتهام واهی مورد بی مهری زمامداران شوروی قرار گرفتند چیچن‌ها و اینگوش‌ها هستند که در فوریه ۱۹۲۴ به دستور استالین بازداشت و تبعید شدند و جمهوری خود مختار آنها منحل شد و قلمرو آن ضمیمه جمهوری فدراتیو روسیه گردید. اتهام این مردم همکاری با آلمانها بود زمانی که آنها تا قفقاز پیش روی کرده بودند. آلمانها گرچه در طول پیشروی خود در قلمرو شوروی برای مدتی بر مناطق قراچای و بالکار

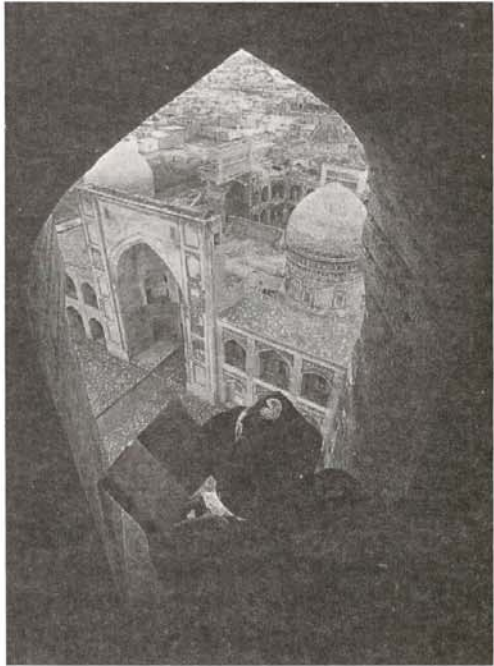
قفقاز



نظر میان ازبکها و تاجیکها، قزاقها و ترکمنها، قزاقها و ازبکها نمایانگر این است که مرزها در حال تغییر است و قلمرو مسلمانان در حال تجزیه شدن می‌باشد. وضع نابسامان اقتصادی این کشورهای تازه استقلال یافته و وابستگی شدید به مسکو که طی ۷۰ سال در استحکام آن کوشش شده نیز به تیرگی چشم انداز اضافه می‌کند. اگر روابط اقتصادی این کشورها با کشورهای خاورمیانه بهبود یابد و این کشورها زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شود بتوانند از نظر اقتصادی روی پای خود بایستند در آن صورت می‌توان این کشورها را از نظر سیاسی نیز مستقل نامید در غیر این صورت توجه آنها دوباره به مسکو و سیاستهای آن معطوف خواهد گردید. □

منابع و یادداشتها

- ۱) این مطلب همراه با فهرست کامل کشورهای مستقل عضو سازمان ملل در روزنامه کیهان در روزهای ۲۵ و ۲۶ فروردین ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است.
- ۲) مراجعه کنید به نشریه زیر:
" Boundary Bulletin ", edited by Carl Grundy - Warr and Greg Englefield, International Boundaries Research Unit, University of Durham, No. 2, July 1991, P.18 .
- ۳) این مطلب توسط روزنامه کیهان در تاریخ ۱۳/۳/۷۱ گزارش شده است.
- ۴) منبع شماره ۲.
- ۵) Statesman yearbook, 1991 - 1992 .
- ۶) ترکستان در تاریخ : نوشته اراز محمد سارلی، از انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۷) Great Soviet Encyclopedia, A Translation of Third Edition Macmillan, Inc, New york and, Encyclopedia, Britannica, 1990.
- ۷) منبع پیشین.
- ۹) مسلمانان شوروی: گذشته، حال، آینده. نوشته بنیگن وبراکس آب، ترجمه کاوه بیات، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۴۷.
- 10) Hugh Seton - Watson, From Lenin to Khrushchev, The History of world Communism, London, West - View Press, P.88.
- ۱۱) منبع شماره ۷.
- ۱۲) منبع شماره ۲.
- ۱۳) خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)، نوشته بلنیتسکی - ترجمه دکتر پرویز ورجاوند، از انتشارات نشر گفتار، ۱۳۶۴، صفحات ۱۰ تا ۱۷.
- ۱۴) منبع شماره ۹ و شیخ شامل داغستان، نوشته فتیس روی مک لین، ترجمه و تلخیص کاوه بیات، دفتر پژوهشهای فرهنگی - تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۵) منبع شماره ۵ و شماره ۹.
- ۱۶) منبع شماره ۹.
- ۱۷) اقوام مسلمان اتحاد شوروی، شیرین اکیپر، ترجمه محمد حسین آریا - انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷، صفحات ۳۲۷ و ۳۲۸ و اقلیت های مسلمان در جهان امروز - تألیف علی کتانی - ترجمه محمد حسین آریا از انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۶۸ - صفحه ۱۰۶.
- ۱۸) منبع شماره ۱۷ - اکتبر - ص ۲۱۶ - منبع شماره ۱۷ - کتانی - ۱۰۴.
- ۱۹) منبع شماره ۵ - و شماره ۱۷.
- ۲۰) منبع شماره ۵.



شوروی برای اتحاد با یکدیگر تلاش می‌کنند.

دو جمهوری خودمختار آجارستان و ابخازستان نیز که به صورت دو منطقه درونگان در داخل خاک گرجستان قرار دارند برای جدایی در تلاشند. آجارستان یک جمهوری خود مختار مسلمان نشین است و به دلیل موقع مهم جغرافیایی در کنار دریای سیاه و داشتن بندر باتوم از اهمیت استراتژیک برخوردار است و ابخازستان نیز وضع مشابهی را در کنار دریای سیاه داراست (مراجعه شود به نقشه ۵).

نتیجه گیری

نقشه سیاسی امروز آسیای مرکزی و قفقاز که در ظاهر در برگزیده کشورهای مستقلی است که تا چندی پیش از تقسیمات داخلی شوروی سابق محسوب می‌شدند، با توجه به مطالبی که گفته شد به دلیل اختلافات و کشمکشهای بالفعل و بالقوه بر سر خاک و آب، تضاد قومی، بومی و غیر بومی و روس و غیر روس ناپایدار می‌نماید. ریشه این اختلافات را باید در سیاست زورمدارانه روسیه تزاری و دولت جانشین آن شوروی به ویژه در زمان استالین که تحت عنوان ایدئولوژی همان روشها با خشونت بیشتر اعمال می‌شد جستجو کرد. با توجه به حوادث و وقایعی که در جریان است و ما شاهد آن هستیم این نقشه سیاسی در حال تحول است چون از یکطرف در قفقاز شمالی کوشش مسلمانها برای رهایی از زیر سلطه دولت فدراسیون روسیه و برقراری اتحاد با یکدیگر به صورت اتحادیه جمهوریهای خودمختار و از سوی دیگر جنگ و خونریزی میان ارمنیها و آذربای، اختلاف